

خبر
صداسوسیا گرفتار روایت‌های یک‌سویه این رونالدو هندی است
بخش فرهنگی – تحریف گفته‌های رونالدو، فوق ستاره فوتبال و «الان دارم» کارشناس هندی که فارسی را روان‌تر از زبان مادری و انگلیسی مترجم هم‌زمان می‌داند، آخرین مواردی است که دیوار بی‌اعتمادی بین مخاطبان و تولیدکنندگان صداسوسیا را بالاتر برده و آجرهایش را از بقایای دیوار اعتماد به رسانه فراگیر برداشته است. نیازی به بازتاب روایت‌های خیلی دور و دیر نیست، اشاره به ماجرای مرد «زیر آوار مانده» ساختمان متروپل که ساعتی قبل‌تر نیروی امدادی بود و گزارش بدساخت و ناباورانه مرگ حسین عبدالباقی(فارغ از درست یا نادرست بودن خبر) نمونه‌های نزدیک و در یادها مانده است. هر رسانه‌ای (به وسعت صداسوسیا) اعتبارش را از اعتماد مخاطب می‌گیرد. این سرمایه به رسانه فراگیر امکان می‌دهد به‌غیراز انجام وظیفه ذاتی (اطلاع‌رسانی صحیح و به‌موقع) جهت‌گیری سیاسی، هدایت افکار عمومی و… را در دستور کار و اهداف خود قرار دهد. موازنه مخاطبان – تولیدکنندگان تا آنجا برقرار است که تولیدکنندگان آشکارا دست به تحریف واقعیت و قلب موضوع نزده و اعتماد را مخدوش نکنند. مسیری که چند سالی است صداسوسیا اصرار دارد تا در آن گام برداشته، مخاطب را از آن سازمان عریض و طویل ناامید کرده روگردان کند.

موارد اخیر که اشتباهات صداسوسیا را از اتفاقات بداهه حین اجرای یک برنامه زنده جدا می‌کند، تحریف واقعیت است. اینکه مجری برنامه «لهم عابدینی» درباره فارسی حرف زدن مهمان خارجی بگوید: «کارشناس برنامه فردی هندی بوده که در ایران ساکن است و تا حدی فارسی بلد است اما برای یک گفتگوی طولانی به‌راحتی نمی‌تواند فارسی صحبت کند؛ ما ابتدای گفتگو هم اعلام کردیم که این کارشناس در ایران است.» دردی را درمان نمی‌کند. ساخت برنامه خبری (زنده، مستند، گفتگو و…) بر پایه اطلاعات نادرست و مفروضات غلط سم مهلکی است که ریشه هر سابقه و اعتماد را خشک می‌کند. عباس عبدی روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر رسانه در توثیقی نوشت: برای فهم جایگاه اطلاع‌رسانی و رسانه ملی در ایران کافی است گفته شود که، اگر سخنان رونالدو در پدای اعلام عمومی (و… بر پایه اطلاعات نادرست و مفروضات غلط سم مهلکی است که ریشه هر سابقه و اعتماد را خشک می‌کند. عباس عبدی روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر رسانه در توثیقی نوشت: برای فهم جایگاه اطلاع‌رسانی و رسانه ملی در ایران کافی است گفته شود که، اگر سخنان رونالدو در پدای اعلام عمومی (و… بر پایه اطلاعات نادرست و مفروضات غلط سم مهلکی است که ریشه هر سابقه و اعتماد را خشک می‌کند. عباس عبدی روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر رسانه در توثیقی نوشت: برای فهم جایگاه اطلاع‌رسانی و رسانه ملی در ایران کافی است گفته شود که، اگر سخنان رونالدو در پدای اعلام عمومی (و… بر پایه اطلاعات نادرست و مفروضات غلط سم مهلکی است که ریشه هر سابقه و اعتماد را خشک می‌کند. عباس عبدی روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر رسانه در توثیقی نوشت: برای فهم جایگاه اطلاع‌رسانی و رسانه ملی در ایران کافی است گفته شود که، اگر سخنان رونالدو در پدای اعلام عمومی (و… بر پایه اطلاعات نادرست و مفروضات غلط سم مهلکی است که ریشه هر سابقه و اعتماد را خشک می‌کند.

افکار عمومی توده بی‌شکلی نیست که سازندگان بتوانند به آن شاکله داده و به پیوسته خود برسند. افکار عمومی آن روز به رسانه اعتبار داده و آن را راج می‌نهند که احترام شایسته خود را از برنامه‌سازان تا سطح کلان ببینند. اینکه هیچ‌کدام از مدیران در برابر این اتفاقات نه استعفا که حتی زحمت عذرخواهی را هم به خود نمی‌دهند، جای تأسف دارد و صد البته نباید نادیده باشد مخاطبان آن گزارش‌های تلویزیونی و آن گزارش‌های آیکی بعد از آن را باور کنند. گفتن این که «کارشناس هندی ساکن ایران است»، «رونالدو این حرف‌ها را زده ولی نه روی این تصاویر» قطع برنامه زنده و پایان وقت برنامه به فلان بهانه و موارد بسیار، با یکی دو گزارش و ادعای مجری و سازنده برنامه، ترمیم اعتبار میشود و آب رفته را به جوی برنمی‌گرداند. اصرار رسانه‌ای همچون صداسوسیا به تک روایت سازی از بین بردن سرمایه ملی و مالی است که شهروندان از مالیات خود (سایر درآمدهای دولت) هزینه‌های سرسام‌آور آن را پرداخت می‌کنند.

اینکه صداسوسیا به دنبال آن است که تک روایت خودش را به همه قالب کند یا همه را در قالب تنگ تک روایتش جا دهد، هیچ منفعتی نداشته و همان تک روایت را همه نابود می‌کند. همه دنیا که امکان ندارد، همه مردم سرزمین خودمان هم نه حتی تمام کارمندان همان سازمان از برنامه‌ساز و تولیدکننده تا مجری و نیروی خدماتی هم به آن تک روایت مدیران صداسوسیا باور ندارند.

●●●●●

برد پیت نابغه کمدی است

بخش فرهنگی – در حالی که فیلم «قطار سریع‌السیر» ماه آینده راهی سینماها می‌شود، هم‌پاری برد پیت در این فیلم از او به عنوان یک نابغه کمدی یاد کرده است. سونی با حضور در کنفرانس سینه‌پورپ در پارسلونا با حضور بازیگر همکار برد پیت در فیلم «قطار سریع‌السیر»، ۱۵ دقیقه از این فیلم کمدی را همکار برد پیت در این برنامه که با حضور ارون تیلور جانسون برگزار شد، او از برد پیت به عنوان یک نابغه کمدی یاد کرده و گفت با تماشای این فیلم بشدت خندیده است. جانسون که به زودی با فیلم اکشن «قطار سریع‌السیر» ساخته دیوید لیچ در برابر برد پیت دیده خواهد شد، از این فیلم و بازی برد پیت در آن تمجید کرد و گفت یک فیلم عالی تابستانی است. این بازیگر بریتانیایی گفت: این یک فیلم تابستانی است که نباید از دستش داد. در این فیلم من برد پیت افسانه‌ای را به شکلی که هرگز ندیده‌اید دنبال می‌کنم. او در میان گروه بازیگران فوق‌العاده فیلم محاصره شده که همه‌شان آدمکش‌های مهارتزدنی هستند و در یک ماجرا که خودشان هم خبر ندارند، سهیم‌اند. با این فیلم نمی‌توان شیفته برد پیت نشد؛ او یک نابغه کمدی است. در این فیلم که با اقتباس از یک کتاب کره‌ای نوشته کوتارا ایساکا ساخته شده برد پیت در نقش یک آدمکش حرفه‌ای بدشانس ظاهر شده که جدیدترین مأموریتش این است که در سریع‌ترین قطار جهان در ژاپن با گروهی از آدمکش‌های نخبه از سراسر جهان روبه‌رو شود که هر یک به تنهایی برای انجام مأموریتشان در این قطار هستند. زک اولکوویچ فیلمنامه این فیلم را نوشته است. جانسون افزوده است این فیلم در اوج پاندمی ساخته شده و همه آنها امیدوار هستند آن را روی پرده بزرگ ببینند. در واقع در زمستان سال ۲۰۲۰ و در اوج شیوع کرونا با مثبت شدن تست کرونای یکی از اعضای گروه ساخت این فیلم، کار متوقف شد و همه به خانه برگشتند. ساندر بولاک، هیروبوکی سانادا و کارن فوکوهارا دیگر بازیگران این فیلم هستند. این فیلم ۵ اگوست (۱۴ مرداد) اکران سینمایی‌اش را شروع می‌کند.

●●●●●

دفاع تمام قد وزیر فرهنگ از توقیف فیلم «برادران لیل»

بخش فرهنگی – وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی معتقد است توقیف فیلم «برادران لیل» براساس قانون انجام شد.

محمدمهدی اسماعیلی صبح روز چهارشنبه اول تیر ۱۴۰۱ در حاشیه جلسه هیات دولت، در جمع خبرنگاران در پاسخ به پرسشی در خصوص توقیف رسمی فیلم «برادران لیل» و برخی از اخبار منتشر شده مبنی بر ممنوع‌الفعالیّت شدن برخی بازیگران این فیلم، گفت: «من در همین حیاط دولت چندی پیش اعلام کردم که ما در مورد این فیلم طبق قانون عمل می‌کنیم. قانون در این زمینه مشخص بود. دوستان ما در سازمان سینمایی بررسی‌های کامل انجام دادند. اصرار من این بود که مر قانون رعایت شو دو بررسی‌های لازم صورت بگیرد و این اعلام نظر نیز مبنی بر این بررسی‌ها بوده است.» او افزود: «در واقع مجموعه افرادی که در این ارتباط تصمیم‌گیر بودند متفق‌القول بودند که این تخلف صورت گرفته است. البته ممکن است در سال‌های قبل مجموعه وزارت ارشاد و سازمان سینمایی به هر دلیلی در این موضوعات متغعل عمل می‌کردند اما بنای ما در دوره جدید این است که طبق قانون عمل کنیم و تصمیم اخیر نیز طبق قانون اتفاق افتاد.»

{فرهنگی}

رفتارشناسی تتلو در گفت‌وگو با سمانه کوهستانی

نافرمانی مسئله مشترک تتلو و مخاطبانش

سلب‌ریتی‌ها شبکه‌های اجتماعی است که می‌خواهند مخاطب را با خودشان همراه کنند اما این موضوع در سلب‌ریتی‌های سنتی کم‌تر دیده می‌شود یعنی نوع رفتار، کلام، گفتار و کردارشان دور از عامه مردم است اما زمانی که میکرو سلب‌ریتی‌ها یا بلاگرها را دنبال می‌کنید، می‌بینید که آن‌ها با استفاده از الفاظ دوستانه و صمیمانه و نامیدن شما به عنوان دوست، عزیز و همدم خودشان کاری می‌کنند تا مخاطب با آن‌ها احساس راحتی داشته باشد و این رفتار فرا اجتماعی باعث جذب دنبال‌کننده و تایید شدن از جانب فالوئرها می‌شود، بعد از مدتی این صمیمیت تبدیل به توجه بیش از اندازه و پس از مدتی، توجه به سرمایه تبدیل می‌شود.»

سندرمی به نام پرستش سلب‌ریتی

کوهستانی درباره تلاش سلب‌ریتی‌ها برای همراه کردن مخاطبان با خودش گفت: «یکی از ارکان اصلی ماندگاری یک سلب‌ریتی یا میکرو سلب‌ریتی این است که مخاطب را از هر طریقی با خودش همراه کند و افرادی مانند تتلو که خوبی این موضوع را می‌دانند، زیرا یکی از ارکان باقی ماندن در عرصه شهرت، این است که سلب‌ریتی یا میکرو سلب‌ریتی بتواند از هر طریقی مخاطب را نگه دارد و افرادی مانند تتلو به خوبی می‌دانند که اگر مخاطب وجود نداشته باشد، آن‌ها هم وجود ندارند.»

او درباره سندم پرستش سلب‌ریتی گفت: «ما یک مسئله به نام سندرم پرستش سلب‌ریتی دارم و می‌توانیم این مورد را به صورت خاص درباره تتلو مطرح کنیم. رفتار این فرد به تنهایی اگرچره است و واکنش‌های بیش از اندازه

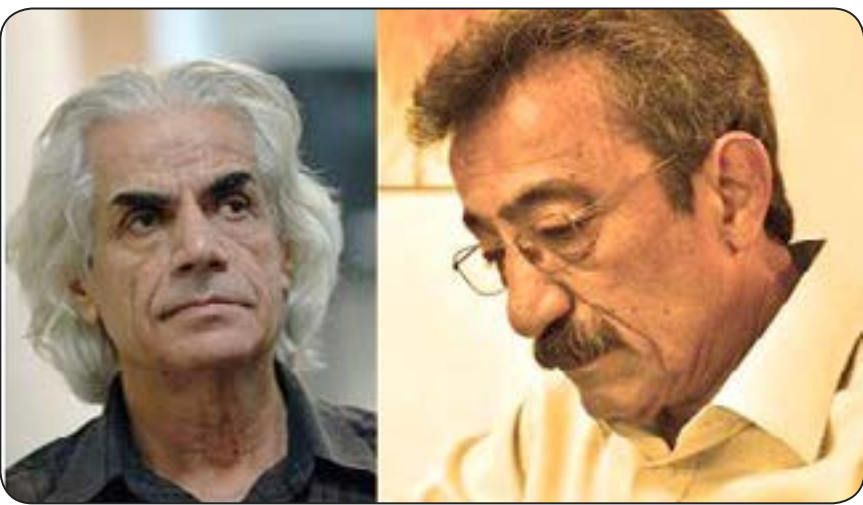
مخاطبان هم به این موضوع دامن می‌زند.»

او درباره ریشه این سندروم ادامه داد: «البته سندروم پرستش سلب‌ریتی ریشه روانشناختی ندارد، بلکه این موضوع وجوه اجتماعی و جامعه شناختی دارد. یعنی فرد دنبال کسی می‌گردد که به او تبدیل شده، حالا یا برای رسیدن به آن تلاش کرده، یا هیچ تلاشی انجام نداده است اما به هر حال آن چیزی را که خودش به دست نیاورده در دیگری پیدا می‌کند. درباره تتلو هم ماجرا این است که جنبه سلب‌ریتی بودن فرد برای مخاطبان مخصوصا نوجوان اهمیت چندانی ندارد، بلکه آن نافرمانی و حتی خرده فرهنگی که این فرد به وجود آورده و آن را ترویج می‌دهد برای مخاطبان جذاب و مهم است.»

کنسولگری ایران در ترکیه به بازپروری شهرت تتلو کمک کرد
آطور که از شواهد مشخص است، تتلو نمی‌تواند به ایران بازگردد و یکی از راه‌های دیده شدن و تداعی شهرت و محبوبیت برای فالوئرانش جلوی چشم بودن است، حالا این کار یا از طریق برگزاری کنسرت انجام می‌شود، یا با انتشار کارهای غیر متعارف در فضای مجازی و حاشیه‌سازی، فکر می‌کنم رفتن او به کنسولگری ایران در ترکیه هم برای جلب توجه و قرار گرفتن در صدر اخبار باشد، چون ایشان به واسطه حواشی که ایجاد کرده، نمی‌تواند به راحتی به ایران بازگردد و کنسولگری ایران در ترکیه هم با صدور بیانیه حضور تتلو در کنسولگری، به صورت ناخواسته به بازتولید شهرت او دامن زد.»

توصیف علی باباچاهی از مسعود احمدی

دانش خود را از نوآمدگان دریغ نمی‌ورزید!
هرگاه شعری از ایشان می‌خواستم، با شور و شغف و بی‌تکلف در اختیار من قرار می‌داد و بدین‌ترتیب من



شدم خدمتگزار شعر امروز ایران!
مسعود احمدی افزون بر این‌که ویراستاری دقیق و صاحب‌نظر بود، بر مقولات و مسائل سیاسی و اجتماعی تسلط داشت و مدت زمانی به تدریس ادبیات و فلسفه پرداخت.

اگر مطالبی را که در مؤخره مبسوط «برای بنفشه باید صبرکنی» آمده با دقت مطالعه کنیم، به گستره تأملات فلسفی و نیز سیاسی- اجماعی او پی خواهیم برد.

مسعود احمدی به رغم رنج‌ها و مشقت‌هایی که از سر گذرانده بود، فرصت‌ها را از دست نمی‌داد و به طور خستگی‌ناپذیر و عاشقانه‌ای به نوشتن پرداخت؛ دو کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشت و دو کتاب دو زبانه برکزیده اشعار (کتاب صوتی) و مجموعه مصاحبه‌ها و ۱۲ مجموعه شعر از خود به یادگار گذاشت: زنی بر درگاه، روز بارانی، برگ‌ریزان و گذرگاه، دونده خسته، قرار ملاقات، صبح در ساک، برای بنفشه باید صبرکنی، دودین در تنهایی، گزیده دو زبانه و «دیگری مرده بود» و «دو زن» گفت‌وگو با آیدا سرکیسیان(شاملو) و اقبال اخوان (مشیری)

گمان می‌کنم اکنون لحظه مناسبی برای نقد و بررسی شعرهای مسعود احمدی نباشد، چراکه انده از دست دادن او حوصله این کار را از من گرفته است اما به کوتاهی شاید بتوان جایگاه شعری ایشان را نشان

مشتاق تماشای آن هستند؟
چرا سلب‌ریتی‌ها و میکرو سلب‌ریتی‌ها برای مخاطبان جذاب هستند؟
و آیا صئور بیانیه از جانب کنسولگری ایران در ترکیه به بازپروری این شهرت کمک کرد یا خیر؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش سراغ سمانه کوهستانی، دانشجوی شنیدن نامش ندارد.
چهره‌ای متفاوت، پوششی خاص و کارهایی که از لحاظ اجتماعی چندان پذیرفته شده نیست.
تنوهایی که از فرق سر شروع می‌شود و کل بدنش را در بر می‌گیرد، البته به گفته خودش هر کدام از این رنگ و لعاب‌ها معنا و مفهومی دارد.



کسی که برای ایران شعر خوانده، حالا با سایت‌های شرط بندی کلاه همان ایرانی‌ها را بر می‌دارد، ایرانی‌هایی که برای حضور در کنسرتش حدود ۴۰ میلیارد تومان ازز را به کشور تریکه بردند.

تا اینجای کار احتمالا متوجه شدید که این فرد کسی نیست جز امیرحسین مقصدلو با نام مستعار تتلو. او هیچ ترس و فراری از حاشیه و حاشیه سازی ندارد، اتفاقا پیش‌تر اوقات خودش جنجال را در آغوش می‌کشد.

این‌بار هم ناخواسته درگیر حاشیه شد اما خودش با علاقه زیاد به آن دامن زد. ماجرا با انتشار یک خبر شروع شد. تتلو، دنیا جهانبخت و ساشا سبحانی به دادسرای تهران احضار شدند. ماجرا از این قرار است که از مدتی قبل

افراد زیادی به پلیس فتای پایتخت مراجعه کردند و به طرح شکایت از گردانندگان یک سایت شرط‌بندی و قمار پرداختند. به‌گفته مالباختگان، آنها پول زیادی به بهانه شرط‌بندی پرداخت کرده و در حالی که بسیاری از آنها برنده بازی‌های قمار بودند پولی به آنها پرداخت نمی‌شد. از اواخر

پارسال این شکایت‌ها مطرح شده و روزه‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شد. در این شرایط تیمی از مأموران پلیس فتا وارد عمل شدند و با انجام ردیابی و رصد در فضای مجازی دریافتند گردانندگان این سایت‌ها از افراد پرحاشیه و جنجالی فضای مجازی هستند که در ایران زندگی نمی‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌داد که این افراد ساشا، پسر سفیر سابق

ایران در ونزئولا، امیر تتلو خواننده فراری و دنیا جهانبخت از چهره‌های معروف در شبکه‌های مجازی هستند که این سایت‌ها را راه‌اندازی و هدایت می‌کنند. تمام پول‌های مردم نیز به‌حساب این افراد منتقل شده و آنها از این طریق توانسته‌اند ثروت زیادی را با فریب مردم و کلاهبرداری

به بهانه شرط‌بندی و قمار به‌دست آورند.

در همین شرایط تتلو فرصت را غنیمت دانست و از آب گل‌آلود ماهی گرفت، به کنسولگری رفت، دوباره توجه‌ها را به سمت خودش جلب کرد و فردای همان روز موسیقی جدیدش را منتشر کرد و البته کنسولگری

ایران در ترکیه هم با انتشار بیانیه، به صورت کاملا ناخواسته، به بازپروری این شهرت و جلب توجه کمک کرد.

اما این رفتارهای تتلو و دیگر سلب‌ریتی‌ها چرا انجام می‌شود؟
چرا مخاطبان

بخش فرهنگی – علی باباچاهی با بیان این‌که مسعود احمدی و عباس صفاری را می‌توان از نمایندگان شعر ساده امروز ایران دانست، به بیان خاطره‌هایی پرداخت.
به گزارش ایسنا، مراسم یادبود مسعود احمد توسط

انجمن دوستی ایران و کوبا و مرکز نشر شعر در نشست کافه کلمات ۱۵ در کرج برگزار شد.

در این برنامه که با مدیریت و اجرای هادی خوانساری برگزار شد، هرمز علی‌پور و محمد آشور به سخنرانی و خاطره گویی پرداختند. همچنین شاعران دیگری چون جمال بیگ، سامان اصفهانی، آسیه حیدری، انسیه معماریان، پاکزاد اجرایی، سپیده داداش‌زاده، محمدرضا حسینی، افسانه رئیسی، مرژان خلج و مهدی شکری شعرخوانی کردند.

در این نشست پیام مکتوب علی باباچاهی که در اختیار ایسنا قرار داده شده است نیز خوانده شد.

علی باباچاهی در این پیام آورده است:

«در این سال‌ها دوستان بسیاری از میان رفتند و هر یک خاطراتی از خود بر جا گذاشتند؛ و ما با افسوس بود و دریغ، خشم و فریاد بود و دادخواهی، با رفتن مسعود اما آنقدر دل‌تنگ و غمگین شدم که فکترش را هم نمی‌کردم. با این همه مایلم برای شما پرتره آن عزیز را ترسیم کنم: او چهره بسیار جدی داشت. اگر کسی برای بار نخست او را می‌دید، شاید دل‌دل‌کنان و با ملاحظه زیاد به او نزدیک می‌شد تا با شاعر حال و احوالی کند. مسعود اما برخلاف ظاهر جدی‌اش، شوخ و طنزاز بود و غالبا لبخندی بر لب داشت که قابل تفسیر بود!

دقیق بود و منضبط. ساده بود و فارغ از تظاهر و بسیار دور از اداهای روشنفکرانه! برخلاف برخی از دوستان شاعرم که با تأخیری حداقل نیم‌ساعته در جلسات هنری پدیدایشان می‌شد، مسعود دقیق و به‌موقع به جمع و جلسات هنری می‌پیوست!

انتقادپذیر بود و منتقدی تیزهوش و فرهیخته. اگر کتاب «حرف زیادی» را که مجموعه‌ای از مصاحبه‌ای ایشان است، تورقی کنید، می‌پذیرید که اغراقی در گفتار نکرده‌ام. در همین کتاب در پاسخ به مصاحبه‌کننده‌ای که از ایشان درباره فرم و زبان شعری می‌پرسد، به صراحت می‌گوید: «شاید با بعضی از شعرهای باباچاهی به‌خصوص آخرین آن‌ها رابطه چندانی برقرار نکرده باشم یا «پراکنده و پریشان‌نویسی‌ها» و عدم صراحت و طنز گاه آغشته به هجو ایشان را نپسندم اما پیشنهادات‌شان را داهیانه و عالمانه می‌دانم.» مسعود دلی بی‌کینه داشت، شاعری متغزل و منتفکر و کمال‌گرا بود. «بی‌سببی» نبود که هر گاه کاسه صبرم